



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۶۵

شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴، ۲۸ فوریه ۲۰۲۶

در مورد حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به مراکز جمهوری اسلامی

در مورد حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به مراکز جمهوری اسلامی بدنبال پافشاری خامنه‌ای و جمهوری اسلامی بر سیاست‌های تروریستی در منطقه، غنی‌سازی اتمی و سیاست موشکی و جنگ‌افروزان، صبح شنبه ۹ اسفند (۲۸ فوریه) حمله نظامی گسترده‌ای توسط نیروهای ارتش آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی شروع شد. آمریکا و اسرائیل در اقدامی مشترک حملات گسترده‌ای را به مراکز و مقرهای نیروهای جمهوری اسلامی در تهران، قم، تبریز، اصفهان، کرج، لرستان، کرمانشاه و شهرهای دیگری شروع کرده‌اند. در تهران از جمله بیت خامنه‌ای و برخی وزارت‌خانه‌ها و همینطور مقامات سیاسی و نظامی رژیم مورد حمله قرار گرفته و خبرها از کشته شدن امیر حاتمی، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی، شمخانی و شمار دیگری از سران و سرداران حکومت حکایت دارد. در عکس‌العمل به این حملات جمهوری اسلامی به مراکزی در اسرائیل، عربستان، کویت، اردن، امارات، قطر و بحرین دست به موشک پرانی زده است.

سیاست‌های جمهوری اسلامی مسبب این شرایط است. برای پایان دادن به جنگ و ناامنی و مصائب ۴۷ ساله‌ای که بر مردم تحمیل شده است باید جمهوری اسلامی را به زیر کشید و این کار مردم انقلابی است. مردم نه غنی سازی اتمی می‌خواهند نه سیاست‌های موشکی جمهوری اسلامی و نه نیروهای نیابتی را و با سرنگونی جمهوری اسلامی به این سیاست‌ها نیز پایان داده خواهد شد.

اوضاع بسیار متحولی در ایران شروع شده است و صرفنظر از اهداف دولت‌های آمریکا و اسرائیل، این ضربات جمهوری اسلامی را در موقعیت شکننده‌ای قرار می‌دهد و می‌تواند شرایط را برای هجوم مردم به حکومت فراهم کند. سرنگونی کار مردم انقلابی است. مردم رفاه و آزادی و یک جامعه انسانی می‌خواهند و تحقق این امر در گرو آمادگی مردم برای هجوم نهایی به جمهوری اسلامی است.

مردم از کشته شدن مقامات و نفس حمله نظامی به جمهوری اسلامی خوشحالند و با به صدا درآوردن بوق خودروها، با شعاردهی و رقص و اشکال دیگر خوشحالی خود را اعلام می‌دارند. این فضا را باید دامن زد. رژیم مدارس و دانشگاه‌ها را تعطیل اعلام کرده و ادارات دولتی نیز به حالت نیمه تعطیل درآمده است. در چنین شرایطی دانشجویان، معلمان و دانش‌آموزان، کارگران مراکز تولیدی و خدماتی و کارکنان ادارات می‌توانند دست از کار بکشند و دست به یک اعتصاب سیاسی بزنند و خود را برای ضربات بیشتر به حکومت آماده کنند. در شرایط بمباران و حملات نظامی مردم باید مراقب باشند از هر تجمع و اقدامی که امنیت‌شان را به خطر می‌اندازد جلوگیری کنند. در هر شرایطی باید فضای اعتراضی را حفظ کرد. باید همیاری‌ها و همبستگی‌ها را هر چه بیشتر گسترش داد و هر جا امکانپذیر است کنترل شهر و محله را در دست گرفت. در این شرایط بویژه مهم است که تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی و دستگیرشدگان اعتراضات اخیر

ادامه در صفحه ۹

اعتراضات دانشجویی و وحشت زندگی

حکومت!

کاظم نیک خواه

صفحه ۲

دی‌ماه؛ قیام برای زندگی، آزادی و کرامت

انسانی علیه ماشین کشتار!

نسان نودینیان

صفحه ۳

طلاق سیاسی غرب و رضا پهلوی

ناصر اصغری

صفحه ۴

دیکتاتوری دوره گذار و رویای حمله به

کردستان

حمید تقوایی

صفحه ۵

دانشجویان در منگنه دو حمله

اصغر کریمی

صفحه ۸

بانگ رسای زنان

کمیته خارج کشور حزب

صفحه ۹

کمپین مالی حزب

صفحه ۱۰

اعتراضات دانشجویی و وحشت زندگی حکومت!



کازم نیکخواه

جنایات قبل فراتر می رود و قابل مقایسه با قبل نیست. این جنایات دهها هزار نفره و داغدار کردن خانوادههای بسیار در سراسر کشور، نه فقط عزم رهایی را نابود نکرد، بلکه خشم و عزم و از خودگذشتگی بخشهای مختلف مردم علیه این نیروی خونخوار اسلامی را صد چندان نمود. امروز دانشجویان در سراسر کشور با تجمعات و تظاهرات و شعار دادن علیه کل حکومت اسلامی، به صدای رسای این خشم و عزم عمومی علیه حکومت قاتلان اسلامی تبدیل شده اند و صدای دادخواهی و سرنگونی طلبی آنها از نزدیک به چهل دانشگاه بلند است.

حکومت اسلامی تعرضات به دانشجویان معترض را آغاز کرده و با دستگیریها و تهدید و گسیل اوباش قمه به دست به دانشگاهها، تقلا میکند کنترل دانشگاهها را به دست گیرد. اما دانشجویان در تهران و شیراز و مشهد و تبریز و شهرها و مناطق دیگر جسورانه ایستاده اند و چشم در چشم مزدوران حکومتی فریاد آزادی و مرگ بر دیکتاتور سر می دهند. سفاکان حاکم نمی فهمند که دانشگاه به سراسر جامعه وصل است و این جنبش سر ایستادن ندارد و تا سرنگونی این حکومت ادامه خواهد داشت و گسترش بیشتری می یابد. به طور واقعی حکومتی که از دانشگاهها و مدارس و کارخانهها و ادارات و حتی بازار وحشت دارد کارش تمام است.

صداهایی از درون حکومت به گوش می رسد که نباید زیاده روی کرد. اما کار از این هشدارها گذشته است. فریاد آزادی آزادی که از دانشگاهها به گوش می رسد خواست عموم مردمی است که می خواهند و مصممند که خود را از شر این نیروی ضدانسان و جنایتکار خلاص کنند و با فدکاری و از خودگذشتگی تمام هر روز دارند به شکلی این عزم و اراده خود را نشان می دهند. رقص خانوادههای داغدار بر مزار عزیزانشان خشمی است که دارد سنتها و ارزشهای پوسیده حاکم را از اساس به آتش می کشد. این رقص و موزیک و هلهله به طور واقعی وحشت مرگ در صفوف حکومتیان انداخته است. دانشجویان معترض با فریاد آزادی آزادی نماینده این خشم عمومی و سراسری هستند.

از مبارزات دانشجویان باید وسیعا و فعالانه حمایت کرد و صدایشان را بازتاب داد. بازتاب اعتراضات اجتماعی بخشی مهم از مبارزه ما علیه حکومت اسلامی است. این حکومت باید گورش را گم کند. هر گوشه ای را که بکوبد دهها جای دیگر مبارزه سر بلند می کند. دیگر جایی برای این حکومت خونخوار در این جامعه نیست. اسامی دستگیرشدگان را باید رسانه ای کرد. فیلمها و اخبار اعتراضات را باید رسانه ای کرد. افکار عمومی دنیا را باید علیه جنایتکاران حاکم بیش از پیش آگاه کرد. جای جوانان و مردم بسیاری که آرزوی زندگی ای امن و شاد و آزاد داشتند، در میان ما خالی است. دور نیست روزی که با گسترش اعتراضات از دانشگاهها به کارخانهها و مراکز تولیدی و ادارات و تمام بخشهای جامعه، با اعتصابات و تجمعات و تظاهرات و قیام مسلحانه، کار این حکومت منقرض شود و قاتلین عزیزانمان را به محاکمه بکشیم. زنده باد انقلاب! زنده باد زن زندگی آزادی!

اعتراضات و تظاهرات دانشجویان در دهها دانشگاه جریان دارد. شعارهای محوری دانشجویان "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زن زندگی آزادی"، "آزادی، آزادی، آزادی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای" است که اتصال زنده این اعتراضات به انقلاب زن زندگی آزادی را به روشنی بازتاب می دهند. جمهوری اسلامی بسیاری از دانشگاهها را به بهانه های مختلف تعطیل کرده و آموزش مجازی و از راه دور را به جریان انداخته تا مانع تظاهرات دانشجویی شود. فضای دانشگاهها به شدت امنیتی شده است. دستگیریهای وسیعی نیز در روزهای اخیر به جریان افتاده و بیش از صد دانشجوی معترض دستگیر شده اند. به همه دانشجویان معترض پیامک های تهدید ارسال شده است. اما جواب دانشجویان این است که دانشگاه همیشه سنگر آزادی بوده و خواهد بود. اگر هزار نفر را دستگیر کنید نفر هزار و یکم جنبش را در دست خواهد گرفت و ادامه خواهد داد.

مراسمهای گرامیداشت جان باختگان دی ماه نیز در مناطق بسیاری جریان دارد و مردم در این مراسمها و در تجمعاتشان خشم خود را از کشتار عزیزانشان فریاد می زنند و عزم خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی را نشان می دهند. اینها این روزها بخشی از فضای جامعه ای است که دارد از قتل عام دی ماه توسط خونخواران اسلامی حاکم سر بلند می کند.

جمهوری اسلامی تصور می کرد که با کشتارهای وسیع و بی رحمانه ۱۸ و ۱۹ دی ماه، کار جنبش سرنگونی و انقلاب زن زندگی آزادی تمام است و مردم سرنگونی طلب در این کشور تا مدتها دست به اعتراض و تظاهرات و شعار دادن نخواهند زد. کشتاری که کردند بی سابقه و واقعا بی رحمانه بود. گزارشها و مشاهدات بسیاری در مورد جنایاتی که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی علیه زخمی ها و دستگیر شدگان و کلا معترضین مرتکب شدند، منتشر شده است که به راستی شوکه کننده است. این گزارشات صفحاتی سیاه در تاریخ این کشور را ثبت کرده است که هیچگاه فراموش نخواهد شد. این جنایات همچون کشتار سال ۶۰ و بعدا کشتارهای سال ۶۷ و قتل های زنجیره ای و دیگر جنایات حکومت تا سالهای سال موضوع فیلمها و داستانها و کیفرخواستها و بحث های بسیار خواهد بود. طبعا ابعاد کشتار و جلوه های بی رحمی مزدوران حکومت اسلامی در دی ماه بسیار از

اساس سوسیالیسم انسان است!

دروود به شما دانشجویان شجاع و آزاده



نسان نودینیان

**دی ماه؛ قیام برای زندگی،
آزادی و کرامت انسانی علیه
ماشین کشتار!**

خیزش قدرتمند شما دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف، بدنبال مراسم‌های بزرگداشت جانباختگان، نقطه عطفی نه تنها در جنبش دانشجویی، بلکه نقطه عطفی مهم در تداوم خیزش دی ماه است که توسط جمهوری اسلامی به خاک و خون کشیده شد.

مراسم‌های گرامیداشت عزیزان جان‌باخته در روزهای ۲۸ تا ۳۰ بهمن، که همچنان ادامه دارد، شکست سیاسی و ضربه‌ای سیاسی به جمهوری اسلامی بود. نه تنها مراسم‌ها با جمعیتی قابل توجه برگزار شدند، بلکه به تجمعاتی سیاسی با شعارهای ضد حکومتی و در اشکالی مدرن و غیر مذهبی تبدیل شدند و تنها دو روز پس از مراسم‌های ۲۸ تا ۳۰ بهمن، شما دانشجویان با شروع ترم تحصیلی جدید دست به تجمعاتی وسیع و قدرتمند زدید و علیرغم فشارها و هجوم بسیجی‌ها اعتراضات خود را به دانشگاه‌های بیشتری گسترش دادید.

اعتراضات شجاعانه و شعارهای کوبنده شما که ادامه همان شعارهای مراسم‌های جانباختگان است، در عین حال نشانه‌ای از برآمد اعتراضی در جامعه و در واقع ادامه خیزش دی ماه است و شما در این برآمد نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنید. شما نشان دادید که جامعه به حالت عادی باز نخواهد گشت. شما در عین حال بسیار هوشمندانه و آگاهانه در مقابل اقلیتی از دانشجویان که با شعارهای انحرافی خود سعی در بهم زدن اتحاد شما و کند کردن نوک تیز حمله شما به رژیم دارند، قاطعانه ایستادید و اتحاد خود را حفظ کردید. شما نقش مهمی در جهت‌دهی سیاسی به جامعه دارید و کل جامعه را دارید نمایندگی می‌کنید.

مبارزات قهرمانانه شما شایسته حمایت گرم همه مردم سرنگونی طلب، تشکله‌ها و نهادهای مختلف کارگران، معلمان و بازنشستگان، نویسندگان، هنرمندان، وکلا و همه مردم شریف این کشور است.

از طرف حزب کمونیست کارگری ایران دست شما را صمیمانه می‌فشارم و به شما بخاطر جسارت و هوشیاری سیاسی‌تان درود می‌فرستم.

اصغر کریمی

رئیس هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری ایران

۵ اسفند ۱۴۰۴، ۲۴ فوریه ۲۰۲۶

زنده باد سوسیالیسم!

خیزشی که در دی ماه ۱۴۰۴ علیه فقر، فساد و گرانی شعله‌ور شد و در میدان‌های نزدیک به ۴۰۰ شهر بزرگ و کوچک زبانه کشید، یک اعتراض مقطعی نبود؛ اعلام حضور نسلی بود که دیگر نمی‌خواهد تحقیر شود. این جنبش، از دل سفره‌های خالی و زندگی‌های به‌لب‌رسیده برخاست؛ جنبشی برای معیشت، علیه اعدام و سرکوب، برای حق زیستن و برای کرامت انسانی.

حاکمیت با تمام قوا به میدان آمد؛ از رأس هرم قدرت تا فرماندهان سرکوب. از علی خامنه‌ای، ساختار نظامی سپاه پاسداران و دولت مسعود پزشکیان، به‌جای پاسخ به مطالبات مردم، راه گلوله و زندان را برگزیدند. نتیجه، کشتار، بازداشت‌های گسترده، احکام اعدام و به‌راه‌انداختن حمام خون بود؛ تلاشی برای شکستن اراده جامعه با ایجاد رعب سازمان‌یافته.

اما جامعه عقب ننشست. حتی یک روز سکوت را نپذیرفت. مرعوب نشد. با تجمعات هزاران نفره، با اعتصابات، با فراخوان‌های همبستگی انسانی، با در آغوش گرفتن خانواده‌های داغدار جان‌باختگان، در میدان ماند. خیابان به سنگر اعتراضات کوبنده و کرامت بدل شد، صدها نقطه از شهرها که مبارزان انقلابی جانباخته بودند و قلب‌ها با گلوله‌های فاشیست‌های اسلامی سرد شده بودند، با ترانه‌های شاد گلباران شدند. و دانشگاه به کانون آگاهی و سازمان‌دهی مبارزه درآمدند.

۲۸ و ۲۹ بهمن به جلوه‌های درخشان این پایداری بدل شدند؛ روزهایی که نشان دادند سرکوب نه تنها جنبش را خاموش نکرد، بلکه آن را رادیکال‌تر، آگاه‌تر و سازمان‌یافته‌تر کرد. در پنج روز گذشته، ده‌ها دانشگاه در تهران و شهرهای دیگر با تجمعات اعتراضی، تحصن‌ها و بیانیه‌های صریح، استمرار خیزش دی ماه را فریاد زدند. این تداوم، نشانه یک خشم کور نیست؛ بیان اراده‌ای روشن برای تغییر بنیادین است. ادامه زن زندگی آزادی است!

دی ماه، فقط فریاد علیه گرانی نبود؛ اعلام پایان تحمل یک ساختار سراپا فاسد و سرکوبگر بود. دی ماه پیوند زندگی و کرامت انسانی و آزادی، پیوند معیشت و لغو مجازات اعدام، پیوند رهایی از تبعیض جنسی، است. جنبشی که از دل درد مشترک برخاست، اکنون به همایش بی‌نظیر همبستگی سراسری بدل شده؛ همبستگی کارگر، معلم و دانشجو، زن و مرد، شهرهای بزرگ و کوچک.

این خیزش نشان داد که جامعه دیگر با حاکمیت نیست. شکاف عظیم مردم و حاکمیت عمیق تر و رو در روی تندتر شده. خواست تغییر تا سرنگونی، عمیق و ساختاری شده است. هر اعتصاب، هر تجمع، هر شعار برای معیشت و علیه فساد و فقر و گرانی، اعدام و سرکوب، آجر دیگری است در بنای نابودی جمهوری اسلامی که بر پایه آزادی، برابری و حرمت انسان بنا خواهد شد.

دی ماه هنوز زنده است؛ در خیابان، در دانشگاه، در کارخانه و در حافظه جمعی مردمی که تصمیم گرفته‌اند سرنوشت خود را با نابودی حکومت فاشیستی اسلامی و با اراده جمعی و شورایی بسازند.

۶ اسفند ۱۴۰۴

۲۵ فوریه ۲۰۲۶

طلاق سیاسی غرب و رضا پهلوی؛ نشانه ها و پیامدها



ناصر اصغری

در هفته ها و روزهای نخست اعتراضات ۱۴۰۴، رضا پهلوی تقریباً تنها صدایی بود که با صراحت از آمادگی برای جانشینی جمهوری اسلامی سخن می گفت. در فضایی که بسیاری از نیروهای سیاسی هنوز در حال ارزیابی شرایط بودند، او تلاش کرد خود را به عنوان چهره ای آماده، منسجم و از پیش تعیین شده معرفی کند. دست و دل بازی تعدادی از رسانه ها در ارائه تصویری بزرگ نمایی شده از رضا پهلوی، همراه با مصاحبه ها، پیام ها و حضور پررنگ رسانه ای او، چنین القا می کرد که گویا در صورت فروپاشی یا تضعیف جدی حکومت، یک آلترناتیو مشخص و آماده برای انتقال قدرت وجود دارد. همین پیش دستی در اعلام آمادگی، در مقطعی کوتاه برای او نوعی دست بالا در فضای سیاسی ایجاد کرد و بخشی از افکار عمومی که در پی چهره ای شناخته شده بودند، به سوی او متمایل شدند.

اما این اقبال اولیه، بیش از آنکه ریشه در سازماندهی اجتماعی واقعی و پیوند با بدنه معترض داشته باشد، محصول خلاء رهبری و عطش جامعه برای دیدن یک بدیل روشن بود. با گذشت زمان و روشن تر شدن ابعاد میدانی اعتراضات، این پرسش جدی تر شد که آیا او واقعا بر پایه نیروهای فعال در صحنه تکیه دارد یا صرفاً بر موج رسانه ای حرکت می کند. فقدان حضور ملموس در سازماندهی داخل کشور و نبود شبکه علنی و پاسخگو، به تدریج فاصله میان ادعا و واقعیت را آشکار کرد. در نتیجه، اقبالی که در آغاز پیرامون او شکل گرفته بود، به تدریج رو به افول گذاشت و اکنون نشانه های روشنی از خاموش شدن آن دیده می شود.

نگاه سیاسی رضا پهلوی از ابتدا بر اتکای مستقیم به خیابان و سازماندهی انقلاب استوار نبود. او برخلاف نیروهایی که بر بسیج اجتماعی، اعتصاب سراسری و گسترش اعتراضات تکیه داشتند، چشم انداز قدرت گیری خود را در حمایت آمریکا و اسرائیل جستجو می کرد. تحلیل او این بود که فشار خارجی می تواند موازنه قوا را به سود تغییر بر هم بزند و در شکاف ایجاد شده، امکان ایفای نقش برای او فراهم شود. در این چارچوب، تحولات منطقه ای و تنش میان جمهوری اسلامی با غرب، نه صرفاً تهدید، بلکه فرصت تلقی می شد.

با این حال، حتی اگر درگیری نظامی میان آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی رخ دهد، شواهد نشان می دهد که این درگیری از جنس لشکرکشی کلاسیک مانند عراق، لیبی یا افغانستان نخواهد بود. نه افکار عمومی غرب (حتی اگر ترامپ خودش یک آدم واقعا ویژه ای هم باشد) آمادگی پذیرش یک جنگ پرهزینه دیگر را دارد و نه

ساختار قدرت در ایران به سادگی قابل فروپاشی از بیرون است. سناریوی محتمل تر، حملات محدود و هدفمند به مراکز نظامی و امنیتی، ترور یا حذف برخی چهره های کلیدی و اعمال فشار برای گرفتن امتیاز در پرونده های منطقه ای و هسته ای است. چنین سناریویی لزوماً به معنای تغییر کامل ساختار قدرت و استقرار یک آلترناتیو مشخص نیست، بلکه بیشتر در جهت تنظیم رفتار حکومت عمل می کند. در این وضعیت، امید بستن به مداخله خارجی برای انتقال قدرت، بیش از آنکه بر واقعیت های ژئوپلیتیک استوار باشد، بر نوعی خوش بینی سیاسی تکیه دارد.

در چنین چارچوبی، ادعای وجود پایگاه گسترده در ارتش و سپاه و حتی وعده به میدان آوردن "۵۰ هزار نیروی مسلح" در بزنگاه ۱۸ و ۱۹ دی، بیش از آنکه پشتوانه عملی داشته باشد، کارکرد تبلیغاتی، از نوع چاخان، پیدا کرد. این ادعا قرار بود نشان دهد که شکاف درون ساختار نظامی عمیق است و در لحظه مناسب، بخشی از نیروهای مسلح به سود او وارد عمل خواهند شد. اگر حتی شانس محدودی برای تحقق این ادعا وجود داشت، همان مقطع می توانست زمان آزمون آن باشد؛ مقطعی که فضا به شدت ملتهب بود و هرگونه شکاف در نیروهای مسلح می توانست معادله را تغییر دهد. اما هیچ نشانه عینی از تحقق این وعده دیده نشد. نه اعلام موضع رسمی، نه حرکت سازمان یافته و نه حتی نشانه ای از نافرمانی گسترده. به این ترتیب، آنچه به عنوان برگ برنده معرفی شده بود، به تدریج رنگ باخت و این چاخان حتی در میان بخشی از حامیان سابق نیز با تردید جدی مواجه شد. فاصله میان ادعا و واقعیت، سرمایه سیاسی او را فرسوده تر کرد.

مساله اساسی تر در آغاز و سپس در روند فاصله گرفتن غرب از رضا پهلوی، تفاوت اهداف است. تمرکز او، رویا و کابوس های او، حول اولویت دادن به هر قیمتی به حفظ تمامیت ارضی ایران تاکید دارد و کوشیده است خود را مدافع یکپارچگی کشور معرفی کند. همزمان، نوع ارتباط گیری آمریکا و اسرائیل با برخی احزاب و شخصیت هایی که خود را نماینده اقوام و ملل غیرفارسی می دانند، این پرسش را پدید آورده که پروژه سیاسی کینگ پهلوی، تا چه حد با اهداف واقعی آمریکا و اسرائیل همخوان است. هنوز طرح "خاورمیانه بزرگ" با ایران تضعیف و کوچک شده و کشورهای کردستان و آذربایجان جدا شده از آن، روی میز غرب، بخصوص آمریکا و اسرائیل هست. از سوی دیگر، مخالفت شدید و انتقادی رسانه های چون VOA نیز این گمانه را تقویت کرده که او نه نماینده قطعی غرب است و نه از حمایت یکپارچه آنان برخوردار.

آمریکا و اسرائیل به عنوان متحدان استراتژیک، تصمیمات خود را بر مبنای منافع ژئوپلیتیک خویش می گیرند، نه بر اساس ترجیح یک فرد یا جریان خاص در اپوزیسیون ایران. هنگامی که سیاستمداران این دو کشور به صراحت و در موارد متعدد از حمایت رسمی از رضا پهلوی خودداری کرده اند، این عدم حمایت را می توان نشانه ای از تمایل نداشتن آنان به واگذاری آینده ایران به او دانست. در این چارچوب، این احتمال تقویت می شود که هدف آنان نه استقرار یک چهره مشخص، بلکه مدیریت توازن قوا به سود منافع خود باشد؛ حتی اگر این مدیریت به معنای تضعیف بیشتر ایران، کوچک شدن کشور و افزایش شکاف های داخلی باشد.

در داخل اپوزیسیون نیز وضعیت به شکل محسوسی تغییر کرده است. هنوز افرادی هستند که با باور صادقانه، رضا پهلوی را تنها گزینه رهبری انقلاب می دانند

دیکتاتوری دوره گذار و رویای حمله به کردستان



کیوان جاوید



حمید تقوایی

بر مبنای گفت‌وگو با برنامه پاسخ در کانال جدید

این است که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی اجازه ندهند مردم "نظم و امنیت" را به هم بزنند. تلاششان اینست که بعد از سقوط حکومت سیستم به هم نریزد. همان طور که نگرانی جمهوری اسلامی "نظم و امنیت" است و به اسم نظم و امنیت "اغتشاشگران" را میکوبد، جناب پهلوی هم برای "اغتشاشگران" فردای سرنگونی خط و نشان میکشد. مثلاً در برنامه اضطراری میگویند در استانها و شهرهای "نا آرام" حکومت نظامی برقرار خواهند کرد. میخواهند بخشی از سپاه و بسیج را در ارتش ملی ادغام کنند؛ همین ارتش "ملی میهنی" که به رخ مردم کردستان میکشند. در واقع دغدغه پادشاهی خواهان جلوگیری از "هرج و مرج" است که همواره از مضار انقلاب میدانسته اند و اکنون که انقلاب می‌رود جمهوری اسلامی را بزیر بکشد اساس برنامه گذارشان حل و فصل همین مساله است. جلوگیری از "هرج و مرج" در شرایط پس از سرنگونی در واقع یعنی جلوگیری از عاملیت و اعمال اراده مردمی که به قدرت مبارزات خود جمهوری اسلامی را بزیر کشیده اند.

معنی و محتوی واقعی "هرج و مرج" بعد از سرنگونی چیست: بمیدان آمدن مردم برای اداره امور. مردم کردستان بنکه ها یا همان شوراها را تشکیل میدهند و اوضاع را بدست میگیرند، کارگران به کنترل کارخانه هائی که صاحبانشان فراری شده اند میپردازند، انواع احزاب و تشکلهای مدنی و اجتماعی و سیاسی اعلام موجودیت میکنند و پا به عرصه سیاست میگذارند، روزنامه ها و نشریات متعددی منتشر میشوند و در مورد همه چیز و در نقد هر چه کهنه و ارتجاعی است قلم میزنند، همه مقدسات مذهبی و غیر مذهبی در جامعه و در مدیای اجتماعی بزیر سؤال می‌رود، جوانان در محلات اداره امور را در دست میگیرند و غیره و غیره! اینها همه از جانب نیروهای حکومتی سابق و اسبق "هرج و مرج" محسوب میشود و باید بمدد نیروی ارتش ملی میهنی با "نظم و امنیت" متعارف جانشین بشود. برنامه اضطراری در واقع برنامه رفع اضطراب از یک درصدیها است و نه برنامه رفع تبعیضات تحمیلی به نود و نه درصدیها! برنامه اضطراری عملاً تدارک مشت آهنین است بر فراز یک جامعه انقلابی و تهدید حمله به کردستان نیز جزئی از همین نمایش مشت آهنین است. این نمایش البته بجائی نمیرسد؛ رویائی است که متحقق نخواهد شد ولی در هر حال مبنای سیاست و تلاشها و مواضع نیروهای پادشاهی خواه چیزی جز این نیست.

کیوان جاوید: بحث بر سر تمامیت ارضی ایران است. میگویند ایران و خاکش و جغرافیای سیاسی اش مقدس است و اگر کسانی از ایران جدا شوند به یکپارچگی ایران ضربه میخورد و این موجب جنگ داخلی و به هم ریختگی جامعه میشود و غیره. آیا فکر نمیکنید چنین طرز فکری برد دارد و کسانی که خواهان یک حکومت مقتدر سراسری هستند را پشت رضا پهلوی بسیج میکند؟

حمید تقوایی: ببینید هر امر مقدسی غیر از انسان و انسانیت، غیر از خواستههای انسانی و کرامت انسانی، مایه درگیریهای داخلی و جنگ کشتار و خشونت خواهد بود. چه مذهب را مقدس بدانید و چه آب و خاک و مرز را مقدس بدانید و چه قوم و نژاد را مقدس بدانید بالقوه زمینه بجان یکدیگر انداختن مردم را فراهم کرده اید. این نوع مقدسات همواره در تاریخ، و امروز هم، در همه دنیا باعث جنگهای خانمانسوز و قتل عامها و نسلکشی. های بسیاری بوده اند. جمهوری اسلامی و مقدسات الهی اش جلوی چشم ما است.

کیوان جاوید: اخیراً رضا پهلوی به بهانه ائتلاف چند سازمان کردستانی تهدید کرده است که به کردستان با "ارتش ملی-میهنی"، که البته هنوز موجود نیست، به کردستان حمله خواهد کرد. گفته است ما بر سر تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران نه با کسی مصالحه میکنیم و نه مذاکره میکنیم. به نظر شما چرا رضا پهلوی ناگهان به صرافت حمله به کردستان افتاده است؟

حمید تقوایی: تا آنجا که به مساله احزاب و سازمانهای کردستانی مربوط می شود این اولین بار نیست که ایشان چنین تهدیدهایی میکنند. این انگ "تجزیه طلبی"، که در واقع اسم دیگری برای جدایی طلبی است، همیشه چماقی در دست رضا پهلوی و همفکرانش بوده است آن هم در حالی که ما در ایران حزب جدایی طلبی نداریم. این نیروهایی که ایشان مورد حمله قرار میدهد سازمانهایی هستند که حداکثر نوعی سیستم فدرالی میخواهند و هدفشان در هر حال رفع تبعیض ملی است. خیلی از این نیروها دموکراسی در چارچوب ایران را مطرح میکنند و از حقوق مردم کردستان دفاع میکنند و غیره. بنابراین کل این اتهام "تجزیه طلبی" پوچ و بی پایه است. چنین نیرویی در ایران وجود خارجی ندارد. ولی اگر هم می بود جرمی مرتکب نشده بود. هیچ نیرو و دولتی حق ندارد به بخشی. از جامعه، بخاطر اینکه مثلاً میخواهند به زیان مادریشان تحصیل کنند و یا خواهان حقوق شهروندی مساوی با بقیه مردم ایران هستند، حمله کند. اما این امر متأسفانه در تاریخ معاصر ایران، در زمان پدر و پدر بزرگ جناب رضا پهلوی و امروز هم در جمهوری اسلامی، جزئی از سیاست همیشگی دولتهای مرکزی بود است. ایشان هم بر همین طبل می کوبد.

در یک سطح عمومی تر این تهدید نیروهای سیاسی و مردم کردستان بخشی از پکیج سرکوب جناب پهلوی بعد از سقوط جمهوری اسلامی است. اگر شما برنامه اضطراری ایشان را بخوانید متوجه میشوید که نگرانی پادشاهی خواه ها و نگرانی خود این جناب، تحقق خواستههای مردم نیست بلکه "نظم و امنیت"، کنترل اوضاع، و جلوگیری از فروپاشی کامل نظام و سیستم حاکم بعد از سرنگونی است.

ببینید نیروهای انقلابی، توده مردم، تشکل هائی که در جنبش زن زندگی آزادی و در روند بزیر کشیدن رژیم فعال بوده اند، و احزابی مثل حزب ما، دوره بعد از سرنگونی رژیم را دوره پاسخگوئی به مطالبات برحق مردم میدانند. مطالباتی که مردم بخاطرش انقلاب کرده اند. خواست مردم کردستان مبنی بر رفع تبعیض ملی هم بخشی. از این مطالبات برحق است. ولی سیاست پادشاهی خواهان این نیست. سیاستشان

کیوان جاوید: حزب کمونیست کارگری اعلام کرده است اگر مردم کردستان بخواهند جدا شوند و در یک انتخابات آزاد به جدائی رای بدهند آنرا به رسمیت می شناسد. آیا همین باعث نمیشود که ایران تکه باره بشود؟

حمید تقوائی: به نظر من برعکس، این موضع باعث می شود ایران یکپارچه بماند. اگر واقعا کسی نگران این است که مرزهای ایران به هم نریزد همانطور که گفتم باید به خواسته های برحق مردم تن بدهد. مردم کردستان خواسته های برحق دارند که در بالا توضیح دادم. آنها هم میخواهند مثل مردم اصفهان و شیراز زندگی کنند. میخواهند شهروندان متساوی الحقوق با همه مردم ایران باشند. اگر مردم اصفهان و شیراز به زبان مادری تحصیل میکنند آن ها هم به زبان مادری تحصیل کنند. اگر مردم شیراز و اصفهان رسوم و سنت های خودشان را دارند آنها هم میخواهند داشته باشند؛ اگر در تصمیم گیری های سیاسی، اقتصادی دیگر جامعه شریک اند آنها هم میخواهند شریک باشند. بعبارت دیگر میخواهند شهروند متساوی الحقوق با همه ساکنین ایران باشند. کسی که می خواهد جامعه را یکپارچه و متحد نگه دارد باید همه مردم را به عنوان شهروند متساوی الحقوق به رسمیت بشناسد. حق تحصیل به زبان مادری یکی از پایه ای ترین حقوق است که نفی اش از یکسو زمینه جدائی طلبی را هموار میکند و از سوی دیگر این بنوبه خود بهانه ای میشود برای لشکرکشی و سرکوب نیروهای سیاسی و مردم معترض به تبعیض و ستم ملی.

ببینید تابویی هست به اسم تمامیت ارضی و یا یکپارچگی سرزمینی که خاص نظامهای دیکتاتوری نظیر جمهوری اسلامی و نظامهای سلطنتی است. ولی در فرانسه اینطور نیست. در انگلیس اینطور نیست. در کانادا اینطور نیست. احزابی هستند که میخواهند جدا بشوند و احترامشان هم سر جای خودش است. نماینده هم به پارلمان می فرستند و در دولتها هم شریکند.

ولی در کشورهای دیکتاتوری زده مثل جامعه ایران که عظمت طلبی فارس نقش مهمی در سلطه طبقه حاکمه ایفا میکند جدائی طلبی جرم محسوب میشود و هر جنایتی علیه اش مجاز محسوب میشود. لشکر میکشند، میزنند و میکوبند تا "مرزهای مقدس کشور" به هم نریزد! این خواست دیکتاتورپها است. در نظامهای لیبرالی مثلا دراروپا شما شاهد چنین گفتمانی نیستید. کاری که ما باید بکنیم اینست که این تابو را بشکنیم. باید صراحتا و با صدای بلند اعلام کرد که در صورتی که مردم تحت تبعیض و ستم ملی بخواهند جدا شوند و در یک انتخابات برحق و عادلانه به جدائی رأی بدهند باید تصمیمشان به رسمیت شناخته شود. حزب ما جدائی هیچ بخشی را توصیه نمیکند ولی این به معنای مخالفت با تصمیم آگاهانه مردم نیست. همانطور که شما حق طلاق را به رسمیت می شناسید ولی لزوما توصیه نمیکند کسی. از همسرش طلاق بگیرد. حق جدائی مانند حق طلاق یکطرفه است. نمیتوان کسی را به زور در رابطه ای نگهداشت. اگر کسی. نگران حفظ یکپارچگی ایران است باید این موضع را داشته باشد. وگرنه باعث کشمکش و جنگهای داخلی خواهد شد.

در رژیم های پادشاهی ماقبل آن هم خاکپرسی در کنار مذهب و شعار "خدا شاه میهن"، همین نقش را ایفا میکرد. تمامیت ارضی و تقدس مرزها نیز همواره جزئی از این مقدسات بوده است.

ببینید حزب ما هم مثل توده مردم و خیلی از نیروهای دیگر خواهان اینست که همه مردم ساکن ایران در کنار هم و بعنوان شهروندان یک کشور زندگی کنند. کلا ما کمونیستها خواهان جوامع و کشورهای هر چه بزرگتر هستیم و میخواهیم تفاوتها و اختلافات بر سر مرز و آب و خاک و تعصبات و مقدسات سرزمینی هرچه کم رنگ تر و حاشیه ای تر بشود. ولی با هم و کنار هم قرار گرفتن بخشهای مختلف جامعه باید امری داوطلبانه باشد و نه اجباری. نمیتوان بخشی از مردم یک کشور را که به هر دلیلی میخواهد سرنوشت و آینده دیگری داشته باشد را به زور وادار به باقی ماندن در چارچوب یک کشور کرد و با چماق تجزیه طلب و خائن به مرز پرگهر و تمامیت ارضی و غیره مورد حمله قرار داد.

جامعه مدنی و کشور یکپارچه تنها با اتحاد داوطلبانه مردم معنی دارد. اگر بخشی از جامعه به هر دلیلی مثلا بخاطر تبعیضات ملی و اینکه اجازه ندارد به زبان مادری تحصیل کند، اینکه از نظر اقتصادی عقب نگهداشته شده است، اینکه نمیتواند مانند شهروندان دیگر در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی شرکت داشته باشد و نظایر آن به این نتیجه برسد که باید جدا بشود و در یک رفراendum دموکراتیک به جدائی رای بدهد، باید این را پذیرفت. تنها راه انسانی و دموکراتیک و عملی حفظ اتحاد مردم در یک کشور رفع تبعیضات ملی-اتنیکی- مذهبی است که در صفوف مردم تفرقه ایجاد میکند. ما خواهان اتحاد و همزیستی داوطلبانه همه مردم ساکن ایران هستیم اما معتقدیم این اتحاد و همزیستی تنها با رفع همه تبعیضات ملی نژادی قومی زبانی و فرهنگی امکان پذیر است. آنچه تمامیت ارضی را به خطر میاندازد جدائی طلبی نیست بلکه اعمال و تداوم تبعیض و ستم ملی است که موجب جدائی طلبی میشود.

کسانی که نگران تمامیت ارضی و یا یکپارچگی سرزمینی هستند باید خواهان رفع همه تبعیضات ملی اتنیکی مذهبی باشند. با اعمال زور و سرکوب و لشکر کشی. به "جرم" جدائی طلبی نمیتوان مردم را متحد نگاهداشت. تنها راه برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان مستقل از ملیت و قومیت و مذهب و نژاد است و بس.

واضح است که برای اینکه یک جامعه مدرن انسانی و مسالمت آمیز داشته باشید باید به خواسته های مردم تن بدهید. مردم کردستان خواهان این هستند که به زبان مادریشان تحصیل کنند و فعالیت ادبی و هنری داشته باشند، بتوانند فرهنگ و لباس و سنتهای خودشان را داشته باشند، در فعالیتهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی مثل همه مردم ایران شریک باشند. شهروندان متساوی الحقوق باشند. کسی که میخواهد یکپارچگی را حفظ کند باید این حقوق را برسمیت بشناسد. در حالی که پادشاهی خواهان و کل نیروهایی که از تمامیت ارضی یک تابو ساخته اند کاملاً برعکس حرکت میکنند. این حقوق را زیر پا میگذارند و معترضین را بعنوان تجزیه طلب میکوبند! این شیوه عملکرد دیکتاتورهای حاکم بر ایران در صد سال اخیر بوده است.

ادامه از صفحه ۶

ادامه از صفحه ۴

رضا پهلوی جواب دادن به کشوری مثل ترکیه و اردوغان باشد. اردوغان گفته ما از جمهوری اسلامی حمایت خواهیم کرد و نمیگذاریم جمهوری اسلامی سرنگون بشود یا بیفتد بخاطر اینکه بعد از جمهوری اسلامی گروههای تروریستی در ایران فعال میشوند و این به نفع ما نیست. آیا این مواضع رضا پهلوی در واقع نوعی دلگرمی دادن بین المللی و منطقه ای به کشورهایی مثل ترکیه نیست؟

حمید تقوایی: ببینید اولاً این ادعای آقای اردوغان فقط جنبه تبلیغی دارد. از نظر واقعی حمایت ایشان از جمهوری اسلامی دلیل دیگری دارد. ایشان هم رهبر نوعی حکومت اسلامی است و فکر میکنند سقوط جمهوری اسلامی و روی کار آمدن یک دولت سکولار در همسایگی اش موقعیت او را تضعیف خواهد کرد. و محاسبات منطقه ای دیگری از این نوع.

اینکه بعد از سقوط جمهوری اسلامی جامعه به هم میریزد و سناریوی لیبی تکرار میشود و غیره حرف خود حکومت است. این یک خط تبلیغی همیشگی حکومت بوده است و آقای اردوغان هم امروز دارد همین را تکرار میکند. جواب این گفتمان این نیست که "نگران نباشید من سرکوب نمیکنم"؛ اطمینان خاطری که رضا پهلوی به دولتهای منطقه میدهد. اولاً باید گفت شما چه کاره اید که مذاکره نمیکنید و مصالحه نمیکنید و ارتش نداشته تان را بمیدان میفرستید؟! این ادعای توخالی بر این پیش فرض بنا شده که ایشان شاه آینده ایران است و "هرج و مرج" دوره گذر را با مشت آهنین پاسخ خواهد داد. بر اساس این پیش فرض است که به اردوغان هم اطمینان میدهد که نظم و امنیت را برقرار خواهد کرد. ولی بحث بر سر همان نکته اول است که اصلاً چه کسی گفته شما بقدرت میرسید؟ با این مواضع مشعشتان میخواهید یک جامعه ۹۵ میلیونی که با شعار زن زندگی آزادی و کرد بلوچ آذری آزادی و برابری جمهوری اسلامی را سرنگون کرده است کنترل کنید؟! نمی توانید. جامعه شما را از سر راه جارو خواهد کرد.

بنابراین کل این ادعا پوچ است که شاهزاده ای که خاندانش یکبار با انقلاب دیگری از تخت افتاده دوباره تاج بر سر میگذارد چه برسد به اینکه بتواند به همسایه ها اطمینان خاطر بدهد که "نگران نباشید من مردم را سر جای خوشان مینشانم!" کل این سناریو توهمی بیش نیست.

ببینید در هر انقلابی عامل اصلی حفظ امنیت توده مردم متشکل هستند که پا به سیاست گذاشته اند. مردمی که اجازه نمیدهند هیچ دولتی مافوق سرشان شکل بگیرد. این مهمترین تضمین آرامش و امنیت در یک جامعه انقلابی است. انقلابی که آن قدرت را داشته باشد که رژیم خونریز جمهوری اسلامی را سرنگون کند پاسخ ارتجاع منطقه را هم خواهد داد.

و بر سرمایه نمادین نام پهلوی تاکید می کنند. اما این اردوگاه با سرعت در حال کوچک شدن است. بخشی. از نیروهایی که در ابتدا به امید ایجاد یک قطب واحد پیرامون او جمع شده بودند، اکنون با ناامیدی یا سکوت فاصله گرفته اند. عملکرد سیاسی او در ماه های اخیر، از نحوه ائتلاف سازی تا نوع موضع گیری در قبال تحولات منطقه ای، شکاف هایی ایجاد کرده که ترمیم آن دشوار به نظر می رسد. امروز کمتر نیروی سیاسی مخالف جمهوری اسلامی یافت می شود که نقد جدی به او نداشته باشد.

حتی برای بخشی از این اپوزیسیون، مرزبندی با رضا پهلوی به بخشی. از هویت سیاسی مبارزه تبدیل شده است.

از این منظر، می توان گفت رضا پهلوی به یکی از ایستگاه های گذار در مسیر جنبش سرنگونی بدل شد؛ ایستگاهی که جامعه با شتاب از آن عبور کرده است، همان گونه که پیش تر از اصلاح طلبانی عبور کرد که پس از طرد شدن از ساختار قدرت، با آکراه به حاشیه اپوزیسیون رانده شدند. تحولات اجتماعی به افراد وابسته نمی ماند. هر جریان سیاسی که نتواند با مطالبات رادیکال و زیر و رو کننده جامعه همگام شود، دیر یا زود کنار گذاشته می شود.

در عین حال، هیچ نشانه ای از فروکش کردن اصل جنبش دیده نمی شود. سطح نارضایتی و خشم اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه علیه جمهوری اسلامی پی سابقه است. آنچه در حال تغییر است، شکل سازماندهی و سطح بلوغ سیاسی جامعه است. مردم به تدریج به سوی متشکل شدن حرکت می کنند. تجربه اعتراضات پراکنده نشان داده که بدون تشکل پایدار و بدون شبکه های هماهنگ، امکان پیشروی پایدار محدود است. از این رو، اهمیت حزب و ایجاد نهادهای سیاسی ریشه دار بیش از گذشته برجسته شده است.

نیروها و احزابی که نماینده "نه" رادیکال جامعه انقلابی هستند، اگر بتوانند تکان های عملی به خود بدهند و به جای بسیج بر علیه حمله آمریکا به جمهوری اسلامی، بر سازماندهی درونی، اعتصاب، همبستگی صنفی و شبکه سازی سراسری تکیه کنند، همچنان در متن تحولات باقی خواهند ماند. رهبران واقعی انقلاب نه در استودیوهای رسانه ای، بلکه از دل همین تشکل ها، از دل میدان مبارزه و از مسیر نمایندگی واقعی مطالبات مردم بیرون می آیند. رهبری محصول روند است، نه انتصاب از بالا. این انقلاب نه شکست خورده و نه متوقف شده است؛ بلکه در حال بازتعریف نیروها، پالایش صفوف و عبور از چهره هایی است که نتوانسته اند با منطق درونی آن همسو شوند. روند کلی همچنان رو به جلو است و معادله قدرت در ایران بیش از هر زمان دیگری در معرض تغییر قرار دارد.

۲۶ فوریه ۲۰۲۶

۸ اسفند ۱۴۹۴، ۲۷ فوریه ۲۰۲۶

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

گسترش اعتراضات در دانشگاهها و ادامه کارزار سه شنبه های نه به اعدام

امروز پنجم اسفند ماه دانشجویان در دانشگاههای متعددی از جمله دانشگاه صنعتی اصفهان؛ بهشتی، دانشگاه هنر تهران، تربیت مدرس، سوره، شاندیز مشهد، علم و صنعت، امیر کبیر، علم و فرهنگ پارس، خواجه نصیر و شریف در ادامه اعتراضات خود علیه نسل کشی حکومت و در مقام دادخواهی و برای آزادی بازداشت شدگان، تجمعات اعتراضی برپا کردند. دانشجویان در دانشگاه اصفهان تجمع بزرگی داشتند و با حمله نیروهای بسیج روبرو شدند و جسورانه با آنها مقابله کردند. در برابر حمله بسیجی ها لباس شخصی ها دانشجویان شعار میدادند "امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه"، "حیدر حیدر شعارشون، جنایت افتخارشون"، و "بسیجی جیره خور، آخرشه خوب بخور".

در دانشگاه هنر ایران؛ دانشجویان در دانشکده کاربردی تجمع کردند و شعارهای ضد حکومت سر دادند. دانشجویان با خشم شعار میدادند "مرگ بر دیکتاتور"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "هر یه نفر کشته شه، هزار نفر پشتشه"، "خامنه ای ضحاک می کشیمت زیر خاک"، "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر"، و "بسیجی جیره خور، آخرشه خوب بخور".

در دانشگاه بهشتی نیز دانشجویان با فریاد "خامنه ای قاتله حکومتش باطله" و شعارهای دیگر تجمع و تظاهرات کردند.

امروز همچنین تداوم کارزار "سه شنبه های نه به اعدام" در هفته صد و نهم در ۵۶ زندان مختلف جریان یافت. در این هفته نیز اعضای کارزار طی بیانیه ای بر تداوم اعتراض تاکید کردند. در مقدمه این بیانیه چنین آمده است: "مراسم چهل و یکم جان باختگان خیزش دی ماه ۱۴۰۴ که در نقاط مختلف کشور برگزار شد، به نمادی از تداوم قیام و همبستگی عمومی تبدیل گردید. این گردهمایی ها که با شعارهای ضدحکومتی و نفی دیکتاتوری همراه بود، نشان داد که یاد و نام قربانیان سرکوب، به نیروی الهام بخش برای تحقق سرنگونی و به کرسی نشستن عدالت، آزادی و برابری تبدیل شده است. ما اعضای کارزار "سه شنبه های نه به اعدام" در همراهی با مردم ایران و خانواده های کشته شدگان با آنان اعلام همبستگی می کنیم و به دانشجویان از دانشگاه شریف، تهران، امیرکبیر، هنر و ملی تا دانشگاه مشهد درود می فرستیم. آنان که شجاعانه در مقابل سرکوب گران در دانشگاه ها ایستادگی می کنند و از عموم مردم می خواهیم با همراهی و حمایت از دانشجویان مبارز و انقلابی همچنان دانشگاه را به عنوان سنگر ایستادگی و مقاومت با هر نوع دیکتاتوری و بنیادگرایی حفظ نمایند و نسبت به سرکوب دانش جویان هشدار می دهیم."

این بیانیه بر دادگاههای فرمایشی حکومت و صدور احکام بر اساس پرونده سازیهای جعلی و اعتراف گیری های اجباری زیر شکنجه اشاره میکند. در این بیانیه همچنین با اشاره به بیش از ۳۵۰ اعدام در بهمن ماه و ۳۳ نفر در روزهای آغازین اسفند مینویسد: "کارزار "سه شنبه های نه به اعدام" از جوامع بین المللی و حقوق بشری و وجدانهای بیدار انسانی می خواهد تا صدای اسیران در بند و مردم ایران باشند و اجازه ندهند که جان فرزندان این آبخاک به دست ستم گران جنایت کار گرفته شود." اعضای این کارزار عموم خانواده های بازداشت شدگان را به اطلاع رسانی گسترده در مورد وضعیت فرزندان زندانی شان فرا می خوانند. در این هفته خانواده های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام نیز مثل هفته های گذشته تجمع کردند و همگان را به حمایت از کارزار سه شنبه های نه به اعدام فراخواندند. آنها با در دست داشتن پلاکارد نه به اعدام و زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شعار نه به اعدام را سر دادند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ اسفند ۱۴۰۴، ۲۴ فوریه ۲۰۲۶

دانشجویان در منگنه دو حمله



اصغر کریمی

درحالیکه دانشجویان دانشگاههای مختلف شجاعانه دست به تجمع می زنند و علیه خامنه ای و جمهوری اسلامی شعار می دهند، از یک طرف بسیجیان با چوب و چماق به آنان حمله می کنند و از طرف دیگر تعدادی عوامل سلطنت طلب با شعارهای کثیف مرگ بر سه مفسد و شعارهایی مشابه تلاش می کنند صفوف متحد دانشجویان را به هم بریزند. یکی حمایت حکومت، سیستم قضایی و حراست و کل نیروی سرکوب را پشت سر خود دارد و دیگری حمایت رسانه های دست راستی در خارج کشور را. دانشجویان شعار می دهند مرگ بر خامنه ای، مرگ بر ولایت، مرگ بر جمهوری اسلامی، بسیجی سپاهی داعش ما شمایی و زن زندگی آزادی و در مقابل تعداد خیلی با شعارهای جاوید شاه و مرگ بر چپی و مجاهد و پنجاه و هفتی زمینه را برای حمله وحوش بسیجی به دانشجویان فراهم می کنند.

اکثر قریب به اتفاق دانشجویان اما مسئولانه با فرهنگ بالای سیاسی، با آگاهی و هوشیاری، ضمن سردادن شعارهایی در مقابل این طیف غیر مسئول، تمرکز را بر شعارهای ضد جمهوری اسلامی قرار داده اند. شعارهایی که سال ها است از جانب مردم به جان آمده در خیابان فریاد زده شده است. شعارهایی که نوک تیز حمله اش متوجه جنایتکاران حاکم است و متحد کننده اکثریت عظیم مردم برای فوری ترین امر خود یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی.

اعتراضات پر قدرت و گسترده دانشجویان که با شروع ترم جدید به جریان افتاده است شایسته حمایت گرم همه مردم سرنگونی طلب است. جا دارد که جامعه به حمایت از آنان بلند شود از تشکلهای معلمان و کارگران و بازنشستگان تا هنرمندان و نویسندگان، فعالین حقوق زن، فعالین زن زندگی آزادی و همه مردم شریف و آزاده.

یک شعار مهم دانشجویان دانشجوی زندانی آزاد باید گردد است. تعداد قابل توجهی از دانشجویان در زندان اند و هر روز تعدادی دستگیر شده و یا برای آنها پرونده سازی می شود. با دانشجویان و شعارها و مطالبات بحق شان همراه شویم و هر دو گروه مقابل آنان را عقب برانیم.

۴ اسفند ۱۴۰۴ (۲۳ فوریه ۲۰۲۶)

بانگ رسای زنان در ۸ مارس امسال دادخواهی است!

سفارتخانه‌ها و مراکز وابسته به جمهوری اسلامی باید بسته شود و دیپلمات‌های تروریستی آن اخراج شوند.

انقلابی عظیم در جدال با هیولایی بیرحم از خانه تا خیابان، تا هر کوی برزن و مدرسه و کارخانه‌ای با بانگ رسای زن زندگی آزادی برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی ایران در جریان است. امسال، ۸ مارس روز جهانی همبستگی با مبارزات زنان به دادخواهی علیه هولوکاست اسلامی، علیه قتل‌عامی خونین در ایران گره خورده است. مطالبات اساسی زنان ایران اکنون در کف خیابان‌ها در مصافی نابرابر به یک مطالبه بین‌المللی بدل شده است.



مطالبه برابری زن و مرد در همه شئون، لغو آپارتاید جنسیتی، مبارزه با حجاب و دست‌درازی مذهب در زندگی زنان، بر سکوی اعتراضی ایستاده است که برای تحقق جزی‌ترین تا کلان‌ترین مطالباتش باید حکومتی که قاتل مردم ایران است را به زیر بکشد.

زننده باد زن زندگی آزادی

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ فوریه ۲۰۲۶

ادامه از صفحه ۱

را با تمام قدرت در دستور بگذاریم. در اثر حملات نظامی محتمل است که هر چه سریعتر شیرازه امور بپاشد و رژیم کنترلش را بر جامعه از دست بدهد و توان سرکوبش به شدت کاهش یابد. باید برای این شرایط آماده شد تا از فرصتی که پیش می‌آید برای تعرض به حکومت و شکل دادن به اعتراضات گسترده و قدرتمند توده‌ای استفاده کرد.

حزب کمونیست کارگری هر حمله‌ای که به جان و مال مردم صدمه بزند را قاطعانه محکوم می‌کند. حزب اعلام می‌کند که هدف در هر شرایطی سرنگونی جمهوری اسلامی است و کلیه فعالین و سازماندهندگان اعتراضات و جنبش‌ها و دانشجویان و جوانان انقلابی را فرامی‌خواند که خود را برای سازماندهی مردم، سازماندهی همیاری‌ها، بدست گرفتن کنترل محلات و شهرها و مراکز کار و خدمات و سازماندهی اعتراضات در هر زمان و هر جا شرایط فراهم می‌شود آماده کنند. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود و این کار مردم متحد و سازمان‌یافته است. حزب کمونیست کارگری ایران

۹ اسفند ۱۴۰۴، ۲۸ فوریه ۲۰۲۶

۸ مارس امسال باید، با شعار زن زندگی آزادی و با پرچم دادخواهی، خطاب به وجدانهای بیدار و آگاه جهان به خیابان بیاید، تا همه سرها و نگاه‌ها، به سمت این دادخواهی و علیه هولوکاست اسلامی در ایران برگردد! جهان متهمان باید با صراحت بگویند در میانه این قساوت و کشتار چگونه می‌خواهد روز جهانی زن را گرامی بدارد!؟

ما از همه نهادهای بین‌المللی و فعالان حقوق زنان در سراسر جهان انتظار داریم و مصرانه می‌خواهیم که فراتر از صدور بیانییه، اقدامات عملی برای حمایت از مبارزات مردم در ایران انجام دهند.

- جان دهها هزار نفر از دستگیر شدگان اعتراضات اخیر و همه زندانیان سیاسی در خطر جدی است. باید با صدای بلند خواهان آزادی فوری و بی‌قیدوشرط همه آنها شد!
- دستگیری و محاکمه آمران و عاملان سرکوب‌ها و بویژه قتل‌عام اخیر در دادگاه‌های صالحه بر اساس اصل صلاحیت جهانی (Universal Jurisdiction) باید در صدر خواست‌ها قرار داده شود. باید برای محاکمه سران جمهوری اسلامی در دادگاه‌های غیابی دست به اقدامات جدی زد.
- مبارزه زنان و مردم ایران نباید فدای مماشات و سازشکاری و معاملات و مذاکرات سیاسی یا اتمی بشود. هرگونه مذاکره‌ای که در آن شرط آزادی دستگیر شدگان، آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی و توقف اعدام‌ها گنجانده نشده باشد، فاقد اعتبار است!
- باید با جمهوری اسلامی همان رفتاری بشود که با رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی شد. بایکوت و انزوای جهانی حکومت آپارتاید جنسیتی جمهوری اسلامی ایران را باید به یک خواست فوری بدل کرد. همه

سهیلا دالوند و داود آرام ۲۰۰۰ دلار کانادا
 میترا دانشی و حمید تقوایی ۲۰۰۰ دلار کانادا
 سیامک بهاری ۱۰۰۰۰ کرون
 هرمز رها ۱۰۰۰ کرون
 سارا نخعی ۱۰۰۰ کرون
 مهران محبوبی ۵۰۰۰ دلار کانادا
 بهرام سروش ۱۰۰۰ پوند
 شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه ۱۰۰۰ پوند
 محمد هوشمند ۱۰۰۰ دلار آمریکا
 شهاب بهرامی ۲۰۰۰ کرون
 عباس ماندگار ۵۰۰۰ دلار کانادا
 محمدمبین کمانگر ۲۰۰ یورو
 نوید محمدی ۵۰۰ یورو
 محسن ابراهیمی ۵۰۰ دلار کانادا
 کریم شامحمدی ۱۵۰۰۰ کرون
 فاتح بهرامی ۱۰۰۰ دلار کانادا
 اصغر کریمی ۱۰۰۰ پوند
 کیا صبری ۱۰۰۰ دلار کانادا
 حسن صالحی ۲۰۰۰۰ کرون
 بابک یزدی ۱۰۰۰ دلار کانادا
 فاضل نادری ۱۰۰۰ کرون
 بهرام کلافری ۴۰۰ دلار کانادا
 محمد کریمی ۳۰۰ یورو
 سیامک مکی و مهین کوشا ۲۰۰ یورو
 سوسن صابری ۲۰۰۰ کرون
 جمیل فرزاد ۵۰۰۰ کرون
 نسان نودینیان و پروین معاذی ۲۰۰ یورو
 آذر پویا و هوشیار سروش ۵۰۰ یورو
 کمیته کردستان حزب ۱۰۰۰ دلار آمریکا
 سیما بهاری ۲۰۰۰ کرون
 مینو فتاحی ۱۵۰ پوند
 گیتی آقاجانی و غلام اکبری ۵۰۰۰ کرون
 یونس گوتنبرگ ۵۰۰۰ کرون

جمع ۳۰۶۷۵ دلار آمریکا

لیست شماره ۲

در پاسخ به فراخوان حزب در دو هفته اول معادل ۴۳۸۰۰ دلار آمریکا جمع آوری شد. از تمام عزیزانی که تا این لحظه به این کمپین کمک کرده‌اند صمیمانه قدردانی می‌کنیم.

محمد نعمتی ۵۰ یورو
 ناصر کشکولی ۵۰ یورو
 داریوش صفا ۲۵۰ یورو
 محب بختیاری ۳۰ یورو
 ناصر بابکری ۶۰ یورو
 مهسا صفری ۶۰ یورو
 کاوه نیکنام ۱۰۰ یورو
 هاشم فاضلی ۲۰۰ یورو سوئیس
 حسن جلیلی ۵۴۰ یورو
 مهین کابلی ۱۰۰ یورو
 لیلا قناعت ۵۰ یورو
 پیام آذر ۱۰۰ یورو

کمپین یک ماهه جمع آوری ۱۵۰ هزار دلار کمک مالی!



کمپین مالی حزب

(۱۶ فوریه - ۱۶ مارس ۲۰۲۶)

ایران یکی از سرنوشت‌ساز ترین لحظات تاریخ معاصر خود را سپری می‌کند. این روزهایی است که مردم ایران با انقلاب خود سرانجام جمهوری اسلامی را به موزه تاریخ خواهند سپرد و مرحله‌ای نوین را در زندگی اجتماعی رقم خواهند زد. حزب ما در تمام سال‌های طولانی مبارزه برای رهایی از شر جمهوری اسلامی همراه و همگام مردم، پرچمدار آزادی، برابری، رفاه، حرمت و کرامت انسان بوده و نیازی به تاکید نیست که اکنون، با توجه به شرایط حساس حاضر، تقویت و ارتقاء این فعالیت، و تلویزیون کانال جدید، ابزار سازماندهی مردم آزاده و سرنگونی طلب، اهمیتی دو چندان می‌یابد. اما این تلاش و فعالیت بدون کمک‌ها و حمایت مالی شما مردم شریف و آزاده ممکن نبوده و نخواهد بود. اکنون نیز برای تامین مالی تداوم و گسترش فعالیت خود دست یاری به سوی شما دراز می‌کنیم.

ما منبع تامین مالی جز فعالیت و سخت‌کوشی اعضا و دوستداران حزب و حمایت شما مردم نداریم. دست یاری به سوی همه مردم شریف و آزاده، کلیه فعالینی که در داخل و خارج کشور به امر متحد و متشکل کردن مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی مشغولند، کلیه مردمی که با حزب کمونیست کارگری و فعالیت‌ها و سیاست‌هایش آشنایی دارند و آنرا نیروی موثر و مثبتی در امر رهایی می‌شناسند دراز می‌کنیم تا در کنار هم و با قدرتی بیشتر این مبارزه را به سرانجام برسانیم.

امیدواریم بتوانیم طی یک ماه از ۱۶ فوریه تا ۱۶ مارس (۲۸ بهمن تا ۲۸ اسفند) حداقل مبلغ ۱۵۰ هزار دلار جمع‌آوری کنیم و از آن فراتر رویم.

طبق معمول این کمپین علنی است و آمار و ارقام آن بطور هفتگی برای اطلاع عموم منتشر خواهد شد.

لیست شماره یک

در پاسخ به فراخوان حزب در هفته اول معادل ۳۰۶۷۵ دلار آمریکا جمع آوری شد. از تمام عزیزانی که تا این لحظه به این کمپین کمک کرده‌اند صمیمانه قدردانی می‌کنیم.

کمک‌های شما، به هر میزان مایه افتخار و اتکای این حزب است. حمایت مالی شما از حزب به گسترش فعالیت‌های ما علیه جمهوری اسلامی، علیه سرکوب و اعدام و زندان و فعالیت برای متحد و متشکل کردن مردم معترض و پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی کمک می‌کند. این حزب همه شما مردمی است که سرنگونی جمهوری اسلامی و ساختن جامعه‌ای خوشبخت و آزاد و انسانی را آرزو می‌کنید و برای آن تلاش می‌کنید.

محمد شکوهی ۲۰۰ یورو
 سعید مدانلو ۱۰۰۰ دلار آمریکا
 سلیمان سبکبار ۱۰۰۰ کرون
 عبدل گلپریان ۱۰۰ یورو

لیلی پاکسار ۳۲۰ دلار کانادا
فریده محمدی ۲۰۰ دلار کانادا
مینا بهروزی ۱۰۰ دلار کانادا
آزاده نجاد ۵۰ دلار کانادا
مجید آذری ۱۰۰۰ دلار آمریکا
افشین افشین جم ۱۰۰ دلار کانادا

جمع لیست دوم ۱۲۸۳۰ دلار آمریکا

جمع کمک تا کنونی ۴۳۸۰۰ دلار آمریکا

برای پرداخت کمک‌های خود می‌توانید از طریق شماره حساب‌های زیر و یا از طریق تماس با تشکیلات‌های حزب اقدام نمایید:
شماره حساب‌ها و تلفن‌های تماس:
سوئد:

Sweden

NordeaPlusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

کمک خود را همچنین می‌توانید از طریق پی‌پل پرداخت کنید:

یورو (paypal.com) Donate

دلار (paypal.com) Donate

سوالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج: سیامک بهاری 0046739868051

از آمریکای شمالی: بابک یزدی 0014164717138

تماس از ایران: شهلا دانشفر: 0044743556246

برای کمک از طریق پی‌پل می‌توانید از QR Code هم استفاده کنید:



فریبا آذرخش ۱۰۰ یورو
مصطفی عابدی ۵۰ یورو
جاوید ۱۰۰ یورو
رحیم یزدانپرست ۵۰۰۰ کرون
حسن پویا ۵۰ دلار کانادا
بهمن خانی ۱۰۰۰ یورو
شیرزاد چوپانی ۱۰۰ پوند
فرزند یکی از زندانیان زمان پهلوی ۵۰۰ کرون
صابر رحیمی ۱۰۰۰۰ کرون
صالح فلاحي ۱۰۰۰ کرون
ناصر رستمی ۱۰۰ یورو
خاطره محرم نژاد ۱۰۰ یورو
احسان اکبرزاده ۱۰۰ یورو
شهین کابلی ۵۰ یورو
هادی سلیمانی ۵۰ یورو
حسن اقایاری ۵۰ یورو
حمیده جعفری ۵۰ یورو
بهنام ابراهیمزاده ۵۰ یورو
شیوا رشیدی ۵۰ یورو
جمیله میرکی ۵۰ یورو
شمی صلواتی ۵۰ یورو
راضیه صلواتی ۵۰ یورو
سیامک زارع ۲۰۰ یورو
فرهاد رمضانعلی ۴۰ یورو
بهنام فاضلی ۵۰۰ یورو
فرزانه درخشان ۵۰ یورو
مهرین روحانی ۲۰۰ یورو
یک دوست از نیوکاسل ۵۰ پوند
هادی موسوی ۱۰۰۰ کرون
میثم عتیق ۱۰۰۰ کرون
خلیل کیوان ۲۰۰۰ کرون
شاهو پیرخصری ۵۰۰ کرون
نادیا گوران ۴۵۰۰ کرون
کاوش مهران ۶۰۰ دلار در ۶ ماه
امیر توکی ۶۰۰ یورو در ۱۲ ماه
عزیز بختیاری ۵۰ دلار کانادا
مسعود یوسفی ۵۰ دلار کانادا
آرش عزیزی ۲۰۰ دلار آمریکا
ایرج صمیمی ۵۰ دلار کانادا
امیر فریدونی ۵۰ دلار کانادا
سوسن بهادری ۲۶۰ دلار کانادا
علی قنبری ۱۰۰ دلار آمریکا
علاءالدین فرهادپور ۱۵۰ دلار آمریکا
شجاع تگزاس ۱۵۰ دلار آمریکا
جان کمالی ۵۰ دلار آمریکا
کیومرث کرمانشاه ۲۰۰ دلار آمریکا
ستار نوری‌زاد ۱۵۰ دلار آمریکا
صادق احمدی ۵۰ دلار
دوستدار فرزاد کمانگر ۵۰ دلار آمریکا
هیوا احمد ۱۰۰ پوند
یدی کریمی ۲۵۰ دلار کانادا
سام یزدیان ۲۰۰ دلار کانادا
سروش میرفاسمی ۱۵۰ دلار کانادا

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: سیاوش آذری

ادیتور: کاظم نیک خواه

مسئول فنی: بابک یزدی



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور

دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس

بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

KANAL JADID
کانال جدید